

تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام

محمدشریف طاهرپور* / محمدرضا شرفی**

چکیده

در دنیای معاصر، فهم آگاهانه غریزه جنسی اهمیت بسزایی دارد. این امر به ظهور گفتمان‌های متعددی در این حیطه منجر شده است. اگر در برابر گفتمان‌های موجود، گفتمان اسلامی در مورد غریزه جنسی ارائه نشود، گفتمان‌های دیگر افکار خود را بر جامعه حاکم، و نوعی تعارض و تضاد ارزشی را در بین جوانان، خانواده و اجتماع ایجاد خواهند کرد. بنابراین، ضروری است اخلاق جنسی اسلامی از جنبه‌های متعدد بررسی شود. بر این اساس، مقاله حاضر به تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی در اسلام، با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است.

برخی اصول اخلاق جنسی در اسلام عبارتند از: قداست، مرزشناسی، رضایت، حکمت، تمهید، پاکی و طهارت، مصونیت، هدفمندی، جذابیت جنسی و تناسب. کلیدواژه‌ها: مبانی، هستی‌شناسی، اخلاق جنسی، اسلام.

* m.s.taherpour@gmail.com
** mailto:msharafi@ut.ac.ir

* دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

دریافت: ۸۹/۷/۲۲ - پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۸

مقدمه

مسئله اخلاق و به تبع آن اخلاق جنسی، «که قسمتی از اخلاق به معنای عام است که شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد»^۱ یکی از مباحث اساسی در علوم انسانی و زیربنایی اجتماع است و تکامل و ترقی جوامع بشری بدان مربوط می‌شود. اگر انسان‌ها به اخلاق جنسی معقول و منطقی پایبند باشند و خود و دیگران را بر اساس آن تربیت کنند، همواره به سوی تکامل، ترقی و سلامت روحی و روانی حرکت خواهند کرد و از انحرافات و اختلالات جنسی در امان خواهند بود.

سامان‌دادن اخلاق جنسی به حکم قوت و قدرت فوق‌العاده‌ای که این قسمت از اخلاق بشری بدان وابسته است، همواره مهم‌ترین وظیفه اخلاقی به شمار می‌رود. ویل دورانت^۲ در این باره می‌گوید: «سروسامان بخشیدن به روابط جنسی، همیشه مهم‌ترین وظیفه اخلاقی به شمار می‌رود؛ زیرا غریزه تولید مثل، نه تنها در حین ازدواج، بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی فراهم می‌آورد. در نتیجه شدت و حدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌گردد».^۳

از سوی دیگر، اخلاق حاکم بر هر جامعه و به تبع آن اخلاق جنسی، مبتنی بر یک نظام فلسفی است که ضرورت رعایت و عمل به اصول اخلاقی را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، اگر فلسفه را به دو بخش عملی و نظری تقسیم کنیم، بخش نظری شامل، متافیزیک، فیزیک و ریاضیات است. در این حوزه، به مسائل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نیز پرداخته می‌شود؛ بعد عملی نیز شامل تدبیر منزل، سیاست مدن و اخلاق است که در به روابط افراد در حیطه خانواده، اجتماع و رابطه فرد با خودش می‌پردازد و مبتنی بر نوعی ارزش‌شناسی است. به هر حال، فلسفه نظری و عملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و مانند جزایر جدا از هم نیستند. شهید مطهری در این باره چنین می‌گوید:

چنان نیست که مسائل عقل عملی جدا و بدون ارتباط با مسائل حیطه نظر باشد. باید‌های که فیلسوف در مورد واقعیت جهان، انسان، غایتمندی و عدم غایتمندی جهان و انسان دارد، جهت‌گیری او را در اخلاق و باید‌هایی که در خصوص چگونه زیستن انسان دارد، تعیین می‌کند. بدون شک پایه‌هایی که یک فیلسوف طبیعت‌گرا عنوان می‌کند، متفاوت است با پایه‌هایی که یک فیلسوف الهی‌برمی‌شمرد. به این جهت، در تبیین مسائلی که در

فلسفه اخلاق یک فیلسوف وجود دارد، توجه به نظام فکری او در خصوص هستی و انسان ضروری است. در حقیقت، حکمت عملی هر مکتب وابسته به حکمت نظری آن است.^۴

بنابراین، برای اینکه افراد یک جامعه به اخلاق جنسی آن جامعه پایبند باشند، باید به مفاهیم اصلی و هسته‌های مرکزی یا به عبارت دیگر به مبانی فلسفی اخلاق جنسی آن جامعه آگاه باشند، و این آگاهی جز از طریق تبیین مبانی و آموزش آن امکان‌پذیر نیست. در پیامد این تبیین و به تبع آن آگاهی حاصل از آن است که افراد ضرورت پایبندی به اخلاق جنسی جامعه خود در برابر جوامع دیگر را درک خواهند کرد و در مقابل شست‌وشوی مغزی و تهاجم فرهنگی مقاومت خواهند کرد. بر این اساس، در این مقاله به بررسی مبانی هستی‌شناسانه اخلاق جنسی پرداخته‌ایم.

تاریخچه بحث

با توجه به اهمیتی که غریزه جنسی در زندگی انسان دارد، در طول تاریخ رویکردهای متفاوتی نسبت به این غریزه اتخاذ شده است. در این باره می‌توان از سه رویکرد اصلی سخن گفت که به شرح زیر عبارت‌اند از:

الف) رویکرد مبتنی بر رهبانیت

اخلاق مبتنی بر رهبانیت که از آن با عنوان «اخلاق جنسی کهن» نیز یاد می‌شود، برگرفته از برخی آیین‌ها و مکاتب در اعصار گذشته است. از جمله این آیین‌ها و مکاتب می‌توان به آیین برهمایی (۸ تا ۹ ق. م)، آیین جایی (۶ ق. م) و آیین بودایی (۶ ق. م) در هند، آیین تائوئیزم در چین، آیین مانی (۲۴۰ م) در ایران باستان، سنی‌سیسم یا کلیون در یونان، اسنیه^۵ (۲ ق. م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح اشاره کرد.

پایه و بنیان همه این آیین‌ها در اخلاق جنسی، مبتنی بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات و لذت‌های دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است.

ب) رویکرد مبتنی بر آزادی روابط جنسی

از این رویکرد با عنوان «اخلاق نوین جنسی» نیز یاد می‌شود. نقطه شروع این رویکرد از دوره رنسانس به بعد است و در نهایت در قرن بیستم این جریان به اوج خود می‌رسد. از

بانیان و متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از مارکس^۶ (۱۸۸۳-۱۸۱۸ م)، انگلس^۷ (۱۸۹۵-۱۸۲۰ م) فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶ م) و راسل^۸ (۱۹۷۰-۱۸۷۲ م) نام برد. این متفکران با بیان دیدگاه‌های خود در حیطه مسائل و مشکلات جنسی، پایه‌های علمی و فلسفی آزادی روابط جنسی را پی‌ریزی کردند.

ج) رویکرد اسلامی

رویکرد اسلامی نسبت به مسائل جنسی رویکرد اعتدالی و عبادی است. این رویکرد در آرای متفکران مسلمان همچون ابن‌سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ه.ق)، غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق)، ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ ق) و مطهری (۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ ق) مشهود است. لازم به ذکر است که تحقیق در مورد اخلاق جنسی، به شیوه‌ای که این مقاله بدان پرداخته است، مسبوق به سابق نبوده است.

تعریف مفاهیم

اخلاق

اخلاق جمع «خلق» است. راغب اصفهانی درباره «خلق» بیان می‌دارد که خلق با فتحه «خاء» به معنای صورت ظاهر و قیافه که با چشم دیده می‌شود، و خلق با ضمه «خاء» به معنای کمالات و ویژگی‌های اخلاقی است که با چشم بصیرت احساس می‌شود.^۹ بر این اساس، در تعریف «خلق» بیان کرده‌اند: «خلق به معنای ملکه نفسانی است که افعال بدنی آنچه مطابق اقتضای آن ملکه از آدمی سر می‌زند، به آسانی از انسان صادر می‌شود؛ حال چه آنکه آن ملکه از فضایل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن و چه از رذایل مانند شره و جبن و امثال آن؛ ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خلق نیکو از آن فهمیده می‌شود».^{۱۰} نراقی در تعریف اخلاق می‌گوید:

خلق عبارت است از ملک‌های نفسانی که باعث صدور افعال به آسانی و بدون نیاز به تفکر و تأمل و نگرش است، و ملکه حالت و کیفیتی نفسانی است که دیر و به کندی زوال می‌پذیرد، و در مقابل، حال کیفیتی نفسانی است که به سرعت از بین می‌رود.^{۱۱}

مفهوم مرتبط با شخصیت، خلق و خو، خصلت و عادت‌ها که رفتار انسان را در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی (کار، زندگی روزمره، سیاست، علم، خانواده، روابط شخصی، درون‌گروهی، درون طبق‌های) تنظیم می‌کند.

اخلاق یعنی سازش با موازین، حقوق و وظایف مشترک؛ اما امکان تضاد بین دو استاندارد اجتماعی معقول وجود دارد، و شخص یاد می‌گیرد که بر پایه وجدان فردی خود در چنین مواردی قضاوت کند.^{۱۲}

شکوفایی استعدادهای مثبت و صفات پسندیده و عالی‌ترین حقایق در درون آدمی در جهت کمال و هدف اعلای زندگی.^{۱۳} این تعریف از اخلاق، به دلیل اینکه مبتنی بر اهداف غایی تعلیم و تربیت است، و این اهداف تمام شئون وجودی انسان از جمله شأن جنسی انسان را نیز دربرمی‌گیرد، در این پژوهش بیشتر مورد تأکید است.

اخلاق جنسی

قسمتی از اخلاق به معنای عام است که شامل عادات، ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد.^{۱۴} اخلاق جنسی عبارت است از: «قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده رفتار جنسی موردپذیرش جامعه در زمان معین؛ عدم رعایت این قواعد، غیراخلاقی و یا حتی نابهنجار تلقی می‌شود».^{۱۵}

بنابراین، اخلاق جنسی اسلامی مبین حدود روابط بین جنس مخالف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و سایر روابط رسمی و غیررسمی برگرفته از تکیه‌گاه‌ها یا مبانی نظری و عقلانی هستی‌شناسی اسلامی است.

اسلام

طباطبایی در تعریف دین بیان می‌دارد که: «دین عبارت است از اسلام، یعنی تسلیم حق شدن، و به عقیده‌های حق معتقد گشتن، و اعمال حق انجام دادن».^{۱۶} در تفسیر نمونه نیز در مورد تعریف دین بیان شده است که:

واژه دین در لغت در اصل به معنی جزا و پاداش است، و به معنی اطاعت و پیروی از فرمان نیز آمده است، و در اصطلاح مذهبی عبارت از مجموعه قواعد و قوانین و آدابی است که انسان در سایه آنها می‌تواند به خدا نزدیک شود و به سعادت دو جهان برسد و از نظر اخلاقی و تربیتی در مسیر صحیح گام بردارد. در تعریف واژه اسلام نیز بیان می‌دارد که اسلام به معنی تسلیم است، بر این اساس، آیین حقیقی در پیشگاه خدا همان تسلیم در برابر فرمان اوست، و در واقع روح دین در هر عصر و زمان، چیزی جز تسلیم در برابر حق نبوده و نخواهد بود؛ منتها از آنجا که آیین پیامبر اسلام ﷺ، آخرین و برترین آیین‌هاست، نام اسلام برای آن انتخاب شده است، وگرنه از یک نظر همه ادیان الهی، اسلام است.^{۱۷}

بنابراین، اسلام دینی و حیانی است که توسط ملک مقرب جبرئیل به حضرت محمد ﷺ نازل شده و دربرگیرنده آموزه‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی، عرفانی و ... در قالب قرآن کریم است.

مفهوم مبانی هستی‌شناسی^{۱۸}

هستی به منزله بدیهی‌ترین بدیهیات، نخستین چیزی است که در مباحث فلسفی درباره آن بحث می‌شود. در فلسفه اسلامی، به دلیل برخوردار بودن از ماهیت دینی، مباحث خداشناسی، قانونمند و هدفمند بودن هستی، دنیا و آخرت و ... از محوری‌ترین مباحثی است که در این نظام فلسفی مطرح می‌شود، و هدف آن، حصول تعالی و تقرب انسان به خداوند است؛ اما منظور از مبنا در این مقاله، گزاره‌های توصیفی است که بیان‌کننده دیدگاه اسلام در مورد هستی است و مقصود از اصول، گزاره‌های تجویزی است که از مبانی هستی‌شناسی با رویکرد توصیفی - تحلیلی استنباط می‌شود و معیار عمل قرار می‌گیرد؛ تحقق این اصول نیز در گرو قبول مبانی هستی‌شناسی اسلام است که ناظر بر واقعیت هستی می‌باشند.

مبانی هستی‌شناسی اسلام و تأثیر آن در اصول اخلاق جنسی

با توجه به تکیه‌گاه‌ها یا مبانی نظری و عقلانی هستی‌شناسانه که از متون دینی، به ویژه قرآن کریم استخراج شده است، به تبیین تأثیر این مبانی در اصول اخلاق جنسی می‌پردازیم:

۱. خدامحوری

در هستی‌شناسی اسلامی، خدا در رأس یا کانون هستی، برترین حقیقت ماورای طبیعی، مسلط و محیط به همه هستی و تدبیر و اداره هستی به دست اوست. بر این اساس، وجود خدا در مقام خالق، مالک حقیقی و مدبر آسمان‌ها و زمین، امری تردیدناپذیر است. خداوند در این باره می‌فرماید: «رسولان به آنها گفتند: آیا در خدا شک است؟ خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده» (ابراهیم: ۱۰). پس مالک آسمان‌ها و زمین تنها خداست؛ او به تنهایی هر حکمی بخواهد در عالم اجرا می‌کند؛ زیرا پدیدآورنده همه اوست. پس آنچه در آسمان‌ها و زمین است، قوام وجود و آثار وجودش وابسته به خداست و هیچ ملک و سلطنتی نیست، مگر آنکه صاحبش اوست؛ زنده‌کننده و میراننده اوست؛ او به هر چیز قادر است و قدرت مطلق اوست. همچنان که در قرآن آمده است: «مالکیت (و حاکمیت) آسمان‌ها و زمین از

آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و او بر هر چیز توانا است». (حدید: ۲) همچنین خداوند محیط به تمام اشیا، هم از لحاظ قدرت و هم از لحاظ وجود است و به همه چیز آگاه است. همچنانکه در آیه بعد آمده است: «اول و آخر و پیدا و پنهان اوست، و او به هر چیز داناست». (حدید: ۳)

بر اساس خدامحوری «حقیقت حیات که شائبه مرگ و زوال در آن نیست، حیات الاهی می‌باشد. خدای متعال مبدأ وجود و اوصاف و آثار هر چیز است و مبدأ دیگری نیست، جز اینکه منتهی به او می‌شود؛ از این رو، او به هر چیز از هر جهت به تمام معنی قیام دارد، قیامی که سستی و خللی بدان راه نخواهد یافت و قیام به امور جز برای او نیست، مگر آنکه خودش به وجهی اذن داده باشد. پس خداست که بدون هیچ‌گونه ضعفی و سستی به امور قیام دارد و جز او هر چه هست، قائم به اوست. بنابراین، سلطنتی جز سلطنت الاهی نیست و قیومیتی جز قیومیت مطلقه پروردگار وجود ندارد».^{۱۹} خداوند در این باره می‌فرماید:

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچ‌گاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند)؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟ (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعت اند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد). آنچه را در پیش روی آنها [= بندگان] و پشت سرشان است می‌داند، (و گذشته و آینده، در پیش‌گاه علم او، یکسان است). و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست). تخت (حکومت) او، آسمان‌ها و زمین را دربرگرفته، و نگاه‌داری آن دو [= آسمان و زمین]، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست. (بقره: ۲۵۵)

تأثیر خدامحوری در اصول اخلاق جنسی

با توجه به آنچه بیان شد، خداوند هم شأن خالقیت دارد و هم شأن ربوبیت. این مبناي هستی‌شناختی در شکل‌گیری اصول اخلاق جنسی تأثیر بسزایی دارد، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) اصل قداست: با چنین دیدگاه خدامحورانه، هرگز پیوند میان مبدأ فrazمینی با باید و نبایدهای اخلاق جنسی قطع نمی‌شود و برای یافتن موازین و هنجارهای رفتار جنسی،

مراجعه به آموزه‌های دینی، در رأس سایر منابع دیگر مانند ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، آداب و رسوم و یافته‌های فلسفی و علمی در این زمینه قرار می‌گیرد؛ اگر چه در این میان، به ویژه یافته‌های علمی و فلسفی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا درک و فهم ما را از آموزه‌های دینی عمیق‌تر می‌کند.

بنابراین، تأثیر خدامحوری به منزله یک مبنای هستی‌شناسی بر اخلاق جنسی، به این صورت تجلی پیدا می‌کند که اخلاق جنسی رنگ‌وبوی الهی، ربانی و عبادی به خود می‌گیرد و همچون سایر مؤلفه‌های حیات جنسی، از آموزه‌های الهی نشئت می‌گیرد. بر این اساس، رفتار جنسی یک فرد مسلمان تحت تأثیر آموزه‌های دینی است و خاستگاه بایدها و نبایدهای اخلاق جنسی فرامین خداوند است که در کلام الهی متجلی شده است. از این‌رو، ایمان به خدا یک معیار اساسی، و التزام بدان برترین معیار به منظور برقراری رابطه جنسی مشروع در قالب ازدواج با جنس مخالف است؛ همچنان که خداوند در این باره قرآن می‌فرماید:

و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد، و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان با ایمان درآورید؛ زیرا) یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند، و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ شاید متذکر شوند! (بقره: ۲۲۱)

همچنان که در این آیه اشاره شده است، ایمان برترین معیار در مقایسه با سایر معیارها همچون زیبایی، ثروت و موقعیت اجتماعی و سیاسی در انتخاب شریک جنسی است، و وجود چنین معیاری کفه ترازو را برای فروترین طبقات اجتماعی (کنیزان و غلامان) در مقایسه با سایر طبقات برخوردار (مشرک و بت‌پرست) سنگین می‌کند؛ زیرا هدف از ازدواج، تنها کامجویی جنسی نیست؛ ازدواج، خود بستری برای تکثیر نسل و پرورش و تربیت فرزندان و گسترش جامعه است و در این میان، زن شریک عمر انسان و مربی فرزندان اوست و نیمی از شخصیت او را تشکیل می‌دهد، و مرد نیز چنین نقشی را داراست. بنابراین، در بستر تعاملات زن و مرد و همچنین فرزندان، در درون خانواده

شخصیت افراد، به‌ویژه فرزندان شکل می‌گیرد و هرگونه انحراف عقیدتی و به تبع آن انحراف رفتاری، تأثیر سویی بر کانون خانواده خواهد گذاشت. از این‌رو، قرآن اجازه نمی‌دهد مسلمانان، خود یا فرزندان‌شان را در بستری که به نحوی زمینه‌ساز انحراف فکری، عقیدتی و رفتاری است، بیندازند.

ب) اصل مرزشناسی: با توجه به اینکه انسان گریزی از روابط اجتماعی ندارد و از سوی دیگر، در روابط خود توانایی انتخاب و گزینش دارد، از این‌رو، امکان‌پذیر نیست که او را در حصار محصور، و قرنطینه کنیم تا امکان رفتار نادرست و نامشروع را از وی بگیریم. بر این اساس، خداوند برای گزینش صحیح فرد در روابط جنسی و در انتخاب شریک جنسی، و پرهیز از روی آوردن به هر نوع ارتباطی، معیارها، مرزها و حدودی را برای رفتار مشروع انسان ترسیم می‌کند، که فرد از طریق آنها، توانایی کسب داوری و ارزیابی درست را در خود پرورش می‌دهد. فرد دین‌دار باید بکوشد این مرزها را بازشناسد و رعایت کند؛ زیرا اینها حدود الهی هستند و فرد نباید فراتر از آنها حرکت کند؛ همچنان که در قرآن بیان می‌کند: «...اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است» (بقره: ۲۹۹).

از جمله معیارهایی که خداوند در حیطه جنسی برای ارزیابی و رشد قوه داوری برای انتخاب درست مشخص می‌کند، سلامت اخلاقی است؛ همچنان که در قرآن آمده است: «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی‌آورد، و این کار بر مؤمنان حرام شده است». (نور: ۳) در این آیه نیز مؤمنان از ازدواج با کسانی که از سلامت اخلاقی برخوردار نیستند و انحرافات جنسی دارند و بر این رفتار انحراف‌آمیز و خارج از چارچوب شرع خود اصرار دارند و اهل توبه کردن و پاک‌شدن نیستند، تحریم شده‌اند؛ زیرا چنین انحراف جنسی موجب سست‌شدن و ازهم‌پاشیدگی نظام خانوادگی، به وجود آمدن فرزندان بزه‌کار، درآمدهای نامشروع، بیماری‌های روحی و روانی و آمیزشی و ... می‌شود. همچنین به معیارهای چون ایمان و تواضع می‌توان اشاره کرد.

همچنان که در قرآن خطاب به زنان پیامبر ﷺ آمده است: «امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عابد، هجرت‌کننده، زانی غیرباکره و باکره!». (تحریم: ۵)

ج) اصل رضایت: در اخلاق جنسی اسلامی، بر مهر و محبت و مدارا و مسامحت با زنان تأکید فراوانی شده است؛ اما این توصیه‌های اخلاقی بدان معنا نیست که خواست و رضایت زنان، بر کسب رضایت الهی ارجحیت داشته باشد؛ زیرا رضای الهی بالاتر از تمام رضایت‌ها، خشنودی‌ها، موقعیت‌های لذت‌بخش، نعمت‌های دنیوی و اخروی است. همچنان که خداوند در این باره می‌فرماید: «... خشنودی و رضای خدا، برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است». (توبه: ۷۲) بنابراین، در صورتی که خواسته‌های زنان و رضایت آنان در راستای احکام الهی و در طول رضای الهی باشد، نه در عرض آن، و برآورده کردن آن در توان اقتصادی، اجتماعی و عاطفی مرد باشد، این رضایت و خواسته‌های زنان همواره درخور احترام و شایسته توجه از جانب مرد است؛ اما در صورتی که خواست زنان بر خلاف رضایت الهی باشد، شایسته نیست که مردان به چنین خواستی عمل کنند. همچنان که خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده، بخاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ و خداوند آمرزنده و رحیم است». (تحریم: ۱)

۲. هستی تجلی نظام احسن

این مبنای هستی‌شناسی اسلامی بر کیفیت هستی ناظر است؛ بر این اساس، آنچه در هستی اصالت دارد، زیبایی، تناسب و هم‌آوایی است و زشتی و پلیدی امری عارضی و عدمی است. کلمه «حسن» نیز ناظر بر همین امر است و به معنای هر چیزی است که بهجت آورد، و انسان به سوی آن رغبت کند. حسن شامل سه نوع است که عبارت‌اند از: الف) حسن عقلی: هر چیزی که عقل آن را نیکو بداند؛ ب) حسن حسی: هر چیزی که حس آن را نیکو بداند؛ ج) حسنی که وابسته به هوای نفس است؛ یعنی هر چیزی که هوای نفس انسان آن را نیکو بداند؛ اما حقیقت حسن عبارت است از سازگاری اجزای هر چیز نسبت به هم، به نوعی تناسب داشتن اجزا با هم، و به طور کلی هر چیزی که متناسب با غرض خلقت از آن باشد، دارای حسن است؛^{۲۰} اما نظام هستی نیز دارای تناسب، هماهنگی، حسن عقلی، حسی و نیز حسن مبتنی بر غرض الهی می‌باشد. خداوند در این باره می‌فرماید: «او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید...». (سجده: ۷) و همچنین می‌فرماید: «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند

رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن؛ آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟» (ملک: ۳) مفسران در تفسیر این آیه بر روی دو واژه کلیدی «تَفَاوُتٍ و فُطُورٍ» تأکید کرده‌اند؛ در این میان، در تفسیر نمونه درباره کلمه «تَفَاوُتٍ» توضیح خاصی داده نشده است؛ اما در مورد کلمه «فُطُورٍ» آمده است: «فطور از ماده فطر بر وزن سطر، به معنی شکافتن از طول است، و به معنی شکستن (مانند افطار روزه) و اختلال و فساد نیز می‌آید، و در آیه مورد بحث به همین معنی است. منظور این است که هر چه انسان در جهان آفرینش دقت کند کمترین خلل و ناموزونی در آن نمی‌بیند».^{۲۱} در تفسیر المیزان نیز درباره این دو واژه کلیدی، از جمله کلمه «تَفَاوُتٍ» آمده است:

تفاوت از مصدر باب تفاعل از ماده «فوت» است، به معنای اختلاف دو چیز در اوصاف و خصوصیات است. به این معنی که یک چیزی در اولی هست و در دومی نیست؛ اما فطور که در آخر آیه آمده، به معنای اختلال و بی‌نظمی است. به طور کلی هدف این آیه این است که بیان کند در خلقت چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد، وجود ندارد. تدبیر الهی در سرتاسر جهان زنجیروار متصل به هم است، و موجودات بعضی به بعضی دیگر مرتبط‌اند. خدای عزوجل اجزای عالم خلقت را طوری آفریده است که هر موجودی بتواند به آن هدف و غرضی که برای آن خلق شده برسد و این از به مقصد رسیدن آن دیگری مانع نشود و یا باعث فوت آن صفتی که برای رسیدنش به هدف نیازمند است نگردد.^{۲۲}

اما سرّ احسن بودن نظام هستی چیست؟ سرّ نظام احسن بودن جهان هستی آن است که از ذاتی نشئت گرفته است که نه تنها حسن [نیک، نیکو]، بلکه حسن محض و جمال صرف است و او ذات اقدس‌الله می‌باشد که هستی محض و همه کمالات، عین ذات اوست. بنابراین، از دیدگاه قرآن، هستی از یک نوع تناسب، هماهنگی، قانونمندی، نظم و نظام و زیبایی‌های حسی و عقلی برخوردار است.

تأثیر هستی تجلی نظام احسن در اصول اخلاق جنسی

احسن بودن نظام هستی در اصول اخلاق جنسی، آثاری را به شرح ذیل خواهد داشت:

الف) اصل حکمت

بر اساس نظام احسن الهی، خداوند در خلقت انسان همه ظرفیت‌هایی لازم را در نظر گرفته و هر آنچه را آدمی در عالم هستی به آن نیازمند بوده، در اختیارش نهاده است. همان

طور که در قرآن آمده است: «و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد، و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!». (ابراهیم: ۳۴) این آیه شریفه بر آن دلالت دارد که هر نیاز و تقاضایی که در وجود آدمی است، اعم از اینکه این سؤال و تقاضا فطری بوده باشد یا تقاضای زبانی، بی‌پاسخ نمانده است و خداوند بر اساس حکمت بالغه‌اش آن را به آدمی مرحمت فرموده است. بر همین اساس، خداوند بر طبق نیازها و تمنیات فطری آدمی و بر مبنای مقتضیات و شئون حیات مادی و معنوی او، یک سلسله غرایز و عواطف و احساسات را در وی به ودیعه نهاده است؛ این غرایز، به منزله کانال‌های ارتباطی میان انسان و جهان به شمار می‌آیند که بدون آنها آدمی نخواهد توانست راه تکامل خودش را بییماید. بر این اساس، در خلقت هستی، به‌ویژه انسان، چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد، وجود ندارد.

(ب) اصل تمهید

تمایلات و خواسته‌های که درون انسان وجود دارد، اعم از تمایلات جنسی، اجتماعی، اقتصادی، الهی و ...، به گونه‌ای نیست که با هم تضاد و تعارض داشته باشند و مانع بروز و ظهور یکدیگر شوند و از هدفی که خداوند برای آنها قرار داده است، دور شوند؛ بلکه این تمایلات مختلف زمینه و بستر مناسب را برای رشد انسان فراهم می‌کنند. البته این در حالت تکوین است و تشریع الهی نیز بر این اساس می‌باشد؛ اما مشیت الهی مبتنی بر این است که انسان به صورت نسبی موجودی مختار، آزاد و عامل باشد، همچنان که در این باره در قرآن آمده است: «و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانش‌ها) بالا می‌بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد» (اعراف: ۱۷۶)؛ و همچنین در قرآن آمده است: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس». (انسان: ۳) ممکن است آنچه در این میان رخ دهد این است که انسان با توجه به این امکان وجودی، برخلاف نظام احسن و تکوین و تشریع الهی گام بردارد و یکی از ابعاد وجودی خود را ایدئال و هدف قرار دهد. برای مثال، کسب لذت‌های جنسی، و برای این منظور به گونه‌ای عمل کند که سایر حوزه‌های وجودی خود را تعطیل، تحقیر یا سرکوب کند و سهم هر کدام از ابعاد وجودی خود را پرداخت نکند.

قرآن دربارهٔ اینکه انسان بر خلاف نظام احسن و تکوین و تشریع الهی - با توجه به قدرت اختیار و انتخاب خود - به کسب التذاذ جنسی و اشباع این غریزه و سایر امور حاصل از آن پردازد، و این شأن وجودی را هدف و کمال خود قرار دهد، تذکر داده است: محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت، از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایهٔ زندگی پست (مادی) است، و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (آل عمران: ۱۴) مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست، و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگار بهتر و امیدبخش‌تر است. (کهف: ۴۶)

شهید مطهری در تفسیر این آیات بیان می‌دارد:

در این آیات سخن از صرف میل و رغبت طبیعی نیست، سخن در این است که محبت به مظاهر شهوت در نظر بعضی از مردم زینت داده شده است و بزرگ‌تر و زیباتر از آنچه که هست جلوه داده شده است و افراد را به خود مشغول و مفتون کرده است و به صورت کمال مطلوب در آورده است. بنابراین هدف دین مبارزه با میل طبیعی و فطری نیست، بلکه با زیاده‌خواهی‌های امیال انسانی از جمله میل جنسی است که در چنین حالتی (حالت زیاده‌خواهی) راه را بر استعدادهای عالی انسانی می‌بندد و جلوی بروز و ظهور آن را می‌گیرد. بر این اساس، هر علاقه‌ای چشمه‌ای از روح انسان است که باز می‌شود و جاری می‌گردد. مقصود دین بستن چشمه‌های محسوس مادی نیست؛ مقصود باز کردن و کوشش برای ساختن چشمه‌های دیگر است و آن چشمه‌ها معنویات است، یعنی انسان ظرفیت دیگری دارد ماوراء این میل‌ها و عواطف، و پیامبران نیامده‌اند، آنها را از بین ببرند و سرچشمه آنها را بخشکانند؛ بلکه آنها آمده‌اند دنیا و مادیات را از صورت کمال مطلوب بودن خارج نمایند و خدا و آخرت را به عنوان کمال مطلوب عرضه نمایند.^{۲۳}

ج) اصل پاکی و طهارت

در نظام احسن هیچ‌چیز بی‌فایده یا شر نیست که لازم باشد با آن به مبارزه پردازیم و آن را نابود یا سرکوب کنیم و یا تحقیر و پست بشماریم، و برای توفیق در این عمل، خود را در گوشهٔ عزلت، انزوا و دوری از اجتماع قرار دهیم. همچنان که پیامبر ﷺ در طرد این رویکرد می‌فرماید: «خداوند مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است؛ بلکه مرا برای شریعتی آسان و با گذشت فرستاده است».^{۲۴}

قرآن در این باره می‌فرماید: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمهٔ آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است» (طه: ۵۰)؛ کلمهٔ هدایت بدین معناست

که «راه هر چیز را طوری به آن نشان دهیم که او را به مطلوبش برساند و یا لاقلاً راهی که به سوی مطلوب او منتهی می‌شود، به او نشان دهیم».^{۲۵}

بنابراین، بر اساس نظام احسن، خداوند آنچه را که لازمه بقای انسان است، از جمله کشش جنسی بین زن و مرد و مهر و مؤدت آن دو نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به فرزند را در وجود انسان قرار داده است؛ در کنار این هدایت تکوینی، هدایت تشریعی را نیز برای انسان قرار داده است تا برخورد درستی با امیال و غرایز خود داشته باشد و بتواند راه کمال را پیماید.

از سوی دیگر، بر اساس نظام احسن، طبیعت انسان در خلقت از نوعی هارمونی، توازن و تعادل از لحاظ نیازها، علایق، و گرایش‌های درونی برخوردار است؛ به عبارت دیگر، خلقت انسان خلقتی کاریکاتورگونه نیست. بر این اساس، هدایت تشریعی انسان نیز در جهت رشد و شکوفایی متوازن استعدادها و توانایی‌های آدمی است. وقتی در حیطه نظر چنین نگاهی به انسان داشتیم و او را به دلیل علاقه‌ها و گرایش‌های طبیعی، موجودی شرور بالذات ندانیم و طبیعت او را طبیعی شر و پلید نشماریم، در حیطه عمل نیز بر همین اساس رفتار خواهیم کرد و علایق و گرایش‌های او را در ابعاد مختلف وجودی او پذیرا خواهیم بود. در نتیجه، راه را بر چشمه‌های وجودی او نخواهیم بست و مانند آیین‌ها، مذاهب و مکتب‌های فلسفی همچون بودایی، برهمایی، مانی، کلیون و مسیحیت در حیطه تمایلات دنیوی انسان، به‌ویژه غریزه جنسی به امید رسیدن به حقیقت از روش حبس، طرد، انکار و نابود کردن قوای نفسانی پیروی نخواهیم کرد. همچنان که دستورالعمل‌های عملی و اخلاقی اسلام نیز شاهد این مدعاست و بر بهره‌گیری معقول، مشروع و در حد اعتدال از این علایق و تمایلات جنسی و سایر تمایلات انسانی تأکید می‌کند و از علایق جنسی انسان به عنوان نشانه الهی یاد می‌کند که خالی از حکمت نیست و دارای هدف و مقصد خاصی است. بر این اساس، احکام و فرامین الهی به ارضای غریزه جنسی مطابق نظام احسن در عالم تکوین و تشریع دعوت می‌کنند:

بگو: «چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟»؛ «بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است، و (هم‌چنین) گناه و ستم پناحق را، و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید، و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید. (اعراف: ۳۲-۳۳)

در تفسیر این آیه آمده است:

فواحش جمع فاحشه به معنی اعمالی است که فوق‌العاده زشت و ناپسند است، نه همه گناهان، و شاید تأکید روی این مطلب که خواه پنهان باشد یا آشکار، از این جهت است که عرب‌های جاهلی، عمل زشت منافعی عفت را اگر پنهانی انجام می‌شد، مجاز می‌شمردند، و تنها در صورتی که آشکار باشد ممنوع می‌دانستند، و اثم نیز در اصل به معنی هر گونه کاری است که زیان‌بخش باشد و موجب انحطاط مقام انسان گردد، و او را از رسیدن به ثواب و پاداش نیک باز دارد. بنابراین، هر نوع گناهی در مفهوم وسیع اثم داخل است.^{۳۶}

این آیه انسان را از خروج از طریق هدایت تکوینی و تشریعی که نظام احسن مبتنی بر آن است و همچنین افتادن در دام انحطاط باز می‌دارد.

در قرآن نیز آمده است:

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب، و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن، و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن، و هرگز در زمین در جست‌وجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد. (قصص: ۷۷)

همچنین در قرآن آمده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حدّ تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد. (مائده: ۸۷)

بنابراین، بر اساس نظام احسن، افراد باید سهم هر یک از غرایز خود، از جمله غریزه جنسی را بدهند؛ راه رشد و تکامل انسان در نفی، طرد، تحقیر، پست شمردن، سرکوب و عدم ارضای غریزه جنسی یا ارضای آزادانه و بدون قید و بند آن و غرق شدن در شهوات نیست؛ بلکه در ارضای معتدل غرایز و نیازهای آدمی بر اساس هدایت تکوینی و تشریعی است.

۳. هستی اعم از دنیا و آخرت

هستی فقط منحصر به این دنیا نیست، بلکه بعد از زندگی این دنیایی زندگی دیگری خواهد بود که دارای اهمیت و اصالت است؛ به عبارت دیگر، هستی اعم از طبیعت و ماورای طبیعت (غیب و شهادت) است. اگر انسان زندگی دنیایی را هدف خود قرار دهد، خود را بیهوده مشغول کرده است. در این باره خداوند می‌فرماید: «این زندگی دنیا جز لُهو و لعب چیز دیگری نیست و سرای آخرت زندگی واقعی است، اگر آنها می‌دانستند» (عنکبوت: ۶۴). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، می‌گوید:

سرای آخرت عین زندگی و حیات است؛ گویی حیات از همه ابعاد آن می‌جوشد و چیزی جز زندگی در آن نیست. البته هدف از این مقایسه نفی و تحقیر این دنیا نیست؛ بلکه می‌خواهد از طریق این مقایسه ارزش این زندگی را در برابر آن زندگی مجسم سازد. علاوه بر آن، به انسان هشدار می‌دهد که اسیر این مواهب نباشد؛ بلکه امیر بر آنها باشد و هرگز ارزش‌های اصیل خود را با آنها معاوضه نکند.^{۲۷}

افزون بر این، خداوند می‌فرماید: «آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند» (سوره: ۷). در تفسیر نمونه درباره این آیه آمده است که ظاهر دنیا نمایان‌گر برداشتی از زندگی است که مبتنی بر:

مجموعه‌های از سرگرمی‌ها و لذات زودگذر و خواب‌ها و خیال‌هاست، که این در انسان ایجاد غرور و غفلت می‌کند؛ اما اگر آنها [مادیون] باطن و درون این زندگی دنیا را نیز می‌دانستند، برای شناخت آخرت کافی بود؛ چرا که دقت کافی در این زندگی زودگذر نشان می‌دهد که حلقه‌ای است از یک سلسله طولانی، و مرحله‌ای است از یک مسیر بزرگ، همان‌گونه که دقت در زندگی دوران جنینی نشان می‌دهد که هدف نهایی خود این زندگی نیست؛ بلکه این یک مرحله مقدماتی برای زندگی گسترده‌ای است.^{۲۸}

بنابراین، انسان مؤمن جهان را مجموعه پر رمز و راز و پرمعنا و مفهوم می‌داند که فراتر از این ظاهر، دارای باطنی است و هیچ حادثه‌ای بی‌دلیل در آن اتفاق نمی‌افتد؛ اما یک انسان مادی مسلک، به کنه و بطن عالم توجه نمی‌کند و فراتر از این ظاهر مشهود، باطنی برای دنیا قائل نیست و زندگی را محدود به این دنیا می‌داند. طباطبایی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «ظاهر دنیا در مقابل باطن دنیا مطرح است. ظاهر دنیا همان چیزهایی است که انسان با حواس ظاهریش احساس می‌کند و این احساس وادارش می‌کند که در پی تحصیل آن برآید و به آن دلبسته شود و غیر آن را؛ یعنی حیات آخرت و معارف مربوط به آن را فراموش کند و از منافع که در آن هست و منافع و خیرات واقعی و به حقیقت معنای کلمه غفلت کند».^{۲۹} بنابراین، ظاهر دنیا و جنبه مادی آن فرع، و باطن دنیا و جنبه غیرمادی آن اصل است و فرع باید تابع اصل باشد.

تأثیر هستی، اعم از دنیا و آخرت در اصول اخلاق جنسی

از جمله تأثیراتی که هستی، اعم از دنیا و آخرت در اصول اخلاق جنسی دارد، می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

اصل مصونیت: همچنان که در بخش هستی‌شناسی بیان کردیم، زندگی انسان در این جهان فقط منحصر به این دنیا نیست؛ بلکه بعد از زندگی این دنیایی، زندگی دیگری نیز

خواهد بود که اهمیت و اصالت دارد. از سوی دیگر، هستی دارای یک چهره آشکار و یک چهره غایب و پنهان است که جز خداوند، کسی از آن آگاه نیست. در قرآن آیات متعددی ناظر به این امر آمده است که به بیان دو مورد از آنها می‌پردازیم: «خداوند از غیب آسمان‌ها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دل هاست، می‌داند» (فاطر: ۳۸)؛ «خداوند غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند و نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست» (حجرات: ۱۸).

نتیجه اعتقاد به اینکه غیر از این دنیا، سرای دیگری نیز هست که اصالت دارد و آن سرا عین زندگی و حیات است و گویا حیات از همه ابعاد آن می‌جوشد و چیزی جز زندگی در آن نیست، و همه اعمال انسان در آنجا سنجیده می‌شود و پاداش و جزا به آنها تعلق می‌گیرد و در عین حال، انسان در محضر خداست و در پیشگاه او کاملاً مشهود است و او از تمام اسرار درونی وی آگاه می‌باشد. این است که در انسان ایجاد مصونیت می‌کند؛ بدین معنا که عاملی درونی انسان را به سوی رعایت ارزش‌های اخلاقی می‌کشاند؛ زیرا دریافته است که در محضر خدا قرار دارد و بر این اساس به رعایت ادب و تقوای حضور اقدام می‌کند؛ بدین طریق انسان رفتارش را در ابعاد مختلف وجودی، از جمله بعد جنسی در چارچوب شرع تنظیم می‌کند و برای عمل بر اساس موازین شرع انگیزه کافی خواهد داشت و بر غرایز و تمایلات و خواهش‌های خود در آشکار و نهان مسلط می‌شود.

همچنان که در قرآن آمده است: «آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود» (ق: ۳۳)؛ درباره خشیت که در این آیه آمده است، در **تفسیر المیزان** ذکر شده است که اگر خداوند «خشیت آنان را خشیت به غیب خواند، برای این است که آن عذاب‌ی که به آن ایمان آورده‌اند و از آن می‌ترسند، عذاب‌ی است در پرده غیب، نه عذاب‌ی که امروز با حواس خود آن را احساس کنند».^{۳۰} در **تفسیر نمونه** نیز درباره این موضوع آمده است:

تعبیر به ترسیدن از خدا در نهان، اشاره به این است که آنها با اینکه خدا را هرگز با چشم نمی‌بینند، از لابلای آثارش و از طریق استدلال و برهان به او ایمان می‌آورند، ایمانی توأم با احساس مسؤولیت کامل. این احتمال نیز وجود دارد که منظور پنهان از چشم مردم است؛ آنها نه فقط در حضور جمع که در تنهایی و خلوت نیز مرتکب گناهی نمی‌شوند. این خوف و خشیت سبب می‌شود که قلب آنها (منیب) باشد؛ دائماً متوجه خدا گردد، و به طاعت او اقبال کند، و از هر گناه و لغزشی توبه نماید، و این حال را تا پایان عمر ادامه دهد و با همین حالت وارد عرصه محشر گردد.^{۳۱}

در غیر این صورت، یعنی در صورت نبود معاد یا اعتقاد نداشتن به آن و عدم آگاهی خداوند از نهان انسان، آدمی به راحتی حدود الهی را می‌شکند؛ همچنان که در قرآن آمده است: «انسان شک در معاد ندارد» بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند» (قیامت: ۵). در قرآن نیز اینگونه آمده: «چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را)». (قیامت: ۲۰)

راغب در مورد کلمه «فجر» که در آیه پنج ذکر شده است، چنین می‌گوید:

فجر به معنای انفجار و شکاف وسیع برداشتن است، و بیان می‌دارد که گناه را هم بدان جهت فجور نامیده‌اند که باعث شکافته شدن و دریده شدن حرمت دیانت است، و کلمه امام ظرف مکان است که به عنوان استعاره در زمان آینده استعمال می‌شود، و منظور از اینکه، انسان، فجور امام خود را می‌خواهد، این است که می‌خواهد در آینده عمرش جلوش شکافته و باز باشد و هر فجوری خواست مرتکب شود.^{۳۲}

بر اساس آنچه بیان شد، آزادی‌طلبی انسان و تمایل به ارضای خواسته‌های خود فراتر از حدود الهی، انگیزه تکذیب قیامت و پرسش انکارآمیز از زمان آن است. بنابراین توصیفی که از زندگی بعد از این دنیا و برپایی قیامت و حساب و کتاب الهی و از غیب و شهادت در آیات قرآن آمده، به گونه‌ای است که در انسان ایجاد مصونیت درونی برای رعایت ارزش‌های اخلاقی می‌کند، و بدین طریق انسان برای برآوردن خواسته‌های هر شأن وجودی خود از جمله شأن جنسی، از هر راهی اقدام نکند؛ یعنی هدف، وسیله را برای او توجیه نمی‌کند؛ همچنین جلو آزادی‌طلبی او در خارج از چارچوب شرع را می‌گیرد و بدین طریق امنیت و سلامت اخلاق جنسی جامعه محفوظ خواهد شد، و پشتمانه‌های محکمی برای رعایت هنجارهای اخلاق جنسی ایجاد خواهد شد. در نتیجه اخلاق جنسی افراد اخلاقی مسئولانه خواهد بود. به طور کلی، در چنین حالتی جلوت و خلوت افراد تفاوت فاحش و معناداری با هم نخواهد داشت و ریا و نفاق و درویی از میان خواهد رفت. از سوی دیگر، با توجه به اینکه انسان در پیشگاه خداوند چیزی برای پنهان کردن ندارد و همواره عریان و آشکار در محضر اوست، اعتقاد و ایمان به چنین امری رفتار فرد را در نهان و آشکار از تناقض و تضاد رهایی خواهد داد.

۴. هستی هدفمند

این مبناي هستی‌شناسی اسلامی، به جهت‌گیری هستی معطوف است؛ بر این اساس، جهان هستی در حال شدن، حرکت و تکامل است و مبتنی بر غایتی الهی است و هستی عبث آفریده نشده است. بنابراین، هستی از ناحیه خداوند و از فیض ربوبی صادر می‌شود و دوباره در حرکتی تکاملی به او بازمی‌گردد. خداوند در این باره قرآن می‌فرماید: «ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد» (انشقاق: ۶). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌دارد:

هدف نهایی این سیر و سعی و تلاش خدای سبحان است. البته بدان جهت که دارای ربوبیت است و انسان بدان جهت که عبدی است مربوط و مملوک، در حال تلاش به سوی خدای سبحان است، و خداوند بدان جهت که رب، مالک و مدبر امر اوست، هدف این سعی و تلاش است؛ چون عبد برای خودش مالک چیزی نیست، نه اراده و نه عمل. پس او باید اراده نکند، مگر آنچه را او دستور داده باشد. پس بنده در اراده و عملش مسئول خواهد بود. این خود حجتی است بر معاد برای اینکه ربوبیت خدای تعالی تمام نمی‌شود، مگر با عبودیت بندگان و عبودیت هم تصور نمی‌شود، مگر با بودن مسئولیت و مسئولیت هم تمام نمی‌شود، مگر با برگشتن به سوی خدا و حساب اعمال، این نیز تمام نمی‌شود، مگر با بودن روز جزاء.^{۳۳}

همچنین خداوند می‌فرماید: «... بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو ما را از عذاب آتش، نگاه دار» (آل عمران: ۱۹۱). بنابراین، تفکر و تدبیر در هستی ما را به این سمت سوق می‌دهد که این هستی بیهوده و عبث آفریده نشده است؛ بلکه از روی حکمت، مصلحت و هدف صحیحی آفریده شده که نماد وحدانیت الهی است و در این میان انسان نیز به منزله بخشی از این هستی به حال خود رها نشده است و باید در تلاش و تکاپو برای رسیدن به قرب الهی باشد.

تأثیر هستی هدفمند در اصول اخلاق جنسی

از جمله آثاری که هستی هدفمند در اصول اخلاق جنسی دارد، می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد: **اصل هدفمندی:** خداوند از طریق ایجاد غریزه جنسی در نهاد انسان، اهدافی از قبیل آرامش روانی، حصول مودت، رحمت، مهربانی، تولید مثل، ادامه و بقای نوع بشر و دور ماندن از انحرافات جنسی را برای انسان در نظر گرفته است.

در این باره قرآن می فرماید:

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند! (روم: ۲۱).

همچنین می فرماید:

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید، و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا پرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده. (بقره: ۲۲۳)

۵. زوجیت

زوجیت مبنایی بنیادین است که خلقت الاهی بر آن مبتنی، و قانونی است عمومی که گستره هستی را دربرگرفته است. در این باره می توان به آیات ذیل اشاره کرد:

«و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید.» (نجم: ۴۵)؛

«و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن.» (بقره: ۳۵)

«(این وضع هم چنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن.» (هود: ۴۰)

«و از هر چیز یک جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید» (ذاریات: ۴۹).

در تفسیر این آیه آمده است که:

واژه زوج را معمولاً به دو جنس نر و ماده می گویند؛ خواه در عالم حیوانات باشد یا گیاهان، و هرگاه آن را کمی توسعه دهیم، تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می شود، و با توجه به اینکه قرآن در آیه فوق می گوید: (من کل شیء) (از همه موجودات) نه فقط موجودات زنده، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که تمام اشیای جهان از ذرات مثبت (پروتون) و منفی (الکترون) ساخته شده اند.^{۳۴}

تأثیر زوجیت در اصول اخلاق جنسی

از جمله تأثیراتی که زوجیت در اصول اخلاق جنسی دارد می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) اصل جذابیت جنسی: وجود تفاوت های جنسی و جنسیتی زمینه ساز جذابیت جنسی است؛ ویژگی های نظیر لطافت و ظرافت در زنان، مورد توجه مردان، و ویژگی های نظیر توانمندی، مدیریت، قاطعیت، قابلیت و مهرورزی در مردان مورد توجه زنان است؛ از

این‌رو، تفاوت‌های جنسی و جنسیتی می‌تواند عامل جذابیت در اخلاق جنسی باشد؛ اما این جذابیت جنسی خود نیز ریشه در زوجیت دارد که بر این اساس خداوند انسان را به صورت دو جنس مذکر و مؤنث، با تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روحی و روانی آفریده، غریزه تمایل به غیر همجنس را در سرشت وی نهاده است. به همین دلیل، انسان قوانین زناشویی و ازدواج را پذیرفته است.

ب) اصل تناسب: بر اساس زوجیت، مرد و زن یک مجموعه را تشکیل می‌دهند و مایه حفظ، قوام، عفت، پاکی و رفع نیازهای یکدیگرند؛ همچنان که قرآن می‌فرماید: «...آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)» (بقره: ۱۸۷). برای تحقق چنین حالتی زن و مرد باید از جنبه‌های مختلف با هم تناسب داشته باشند تا آنچه را که زوجیت زمینه‌ساز آن است، تحقق یابند و بر این اساس، زن و مرد در فرآیند ازدواج و زندگی مشترک، مایه رشد و کمال همدیگر گردند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نگاهی که دین اسلام در قالب کلام وحی به هستی دارد و همچنین مبانی هستی‌شناسانه آن، بینش، ملاک‌ها و معیارهای جدیدی برای شکل‌گیری شخصیت انسان در ابعاد مختلف و جودی وی از جمله شأن جنسی ارائه می‌دهد. بر این اساس، کلام وحی با لحاظ کردن مبانی هستی‌شناسانه‌ای همچون خدامحوری، هستی تجلی نظام احسن، هستی اعم از دنیا و آخرت و هدفمندی و زوجیت، اصول اخلاق جنسی خاصی را پایه‌ریزی می‌کند که مبتنی بر قداست، مرزشناسی، رضایت، حکمت، تمهید، پاکی و طهارت، مصونیت، هدفمندی، جذابیت جنسی و تناسب است.

پی نوشت ها

۱. مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۱۴.
2. Will Durant
۳. مرتضی مطهری، همان، ص ۱۴.
۴. همان، ص ۲۱.
5. Esniah.
6. Karl Marx.
7. Friedrich Engels.
8. Bertrand Russell.
۹. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۵۸.
۱۰. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۶۱۹.
۱۱. مهدی نراقی، جامع السعادت، ج ۱، ترجمه جلال الدین مجتبی نراقی، ص ۶۰.
۱۲. محسن فرمیپنی فراهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص ۳۸۲.
۱۳. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۶، ص ۷۵.
۱۴. مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۱۳.
۱۵. محسن فرمیپنی فراهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص ۵۶۷.
۱۶. سیدمحمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، ص ۲۲۸.
۱۷. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۷۰ - ۴۷۱.
18. Ontological foundations.
۱۹. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۴۶۸ - ۴۷۰.
۲۰. همان، ج ۱۶، ص ۳۸۹.
۲۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۲۰.
۲۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۱ - ۱۲.
۲۳. مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۲۰۸ - ۲۱۳.
۲۴. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۵۲.
۲۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۴، ص ۲۵۳.
۲۶. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۵.
۲۷. همان، ج ۱۶، ص ۳۶۰.
۲۸. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۵.
۲۹. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۹.
۳۰. همان، ج ۱۸، ص ۵۶۱.
۳۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۱.
۳۲. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
۳۳. همان، ص ۵۷۸.
۳۴. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۶.

منابع

- راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، کتاب فروشی مرتضوی، بی‌جا، ۱۳۶۲.
- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه، ۱۳۸۰.
- جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۶، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بی‌جا، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- فرمیپنی فراهانی، محسن، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران، اسرار دانش، ۱۳۷۸.
- مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، قم، صدرا، ۱۳۵۸.
- مطهری، مرتضی، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، قم، صدرا، بی‌تا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.
- نراقی، مهدی، *جامع السعادت*، ج ۱، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، تهران، حکمت، ۱۴۰۵.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی